

صدای اتحاد از تبریز تا تهران

قدرت خشم ما قویتر از ماشین سرکوب است

اوضاع سیاسی ایران

خیزش توده ای و وظایف کمونیست ها

گفتگو با سیاوش دانشور

۶۰۶
مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۸ مرداد ۱۴۰۰ - ۳۰ ژوئیه ۲۰۲۱

اعتراض برای یک بطری آب یا برای ادامه زندگی؟

صفحه ۶

پروین کابلی

اوضاع جدید سیاسی: در پرتو تحولات مهم ۲۸ و ۲۹ خرداد

بخش اول: آرایش جدید هیئت حاکمه جمهوری اسلامی به چه منظور؟

صفحه ۷

رحمان حسین زاده

بیانیه شماره یک حمایتی مردم سندج

از اعتراضات خوزستان و سایر نقاط ایران

ستون اخبار مبارزات کارگری و حرکت های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

در حاشیه دادگاهی حمید نوری قاتل

سعید یگانه

برگزاری کنفرانس

تشکیلات آلمان حزب

یادداشتها

سیاوش دانشور

ناموسپرستی بازهم قربانی گرفت

پروین کابلی

اینترنت اسلامی

تحمیل قرنطینه فکری و فرهنگی به جامعه، دیوار کشیدن دور مملکت، هر مسئله ای را از فیلتر اسلام و "شرع انور" رد کردن، اعمال سانسور و لشکرکشی اوپاش حکومتی به منازل و اماکن برای جمع کردن "ماهواره" را کسی فراموش نکرده است. زمانی همین اصلاح طلبان حکومتی نوار ویدئو و کاست موزیک را جمع می کردند، بعد خودشان بیزنس و تجارت آنرا از شعبه برادران اسلامی در ترکیه بدست گرفتند. بعد نوبت دیش ها و رسیورها رسید. جنگ با "ماهواره" مسئله حکومت و شرقرذگی ایرانی-اسلامی شد. اما با تجارت "برادران قاچاقچی" درونی شد. طرح "اینترنت ملی" و انحصار سپاه بر ارتباطات و مخابرات، استفاده از تکنولوژی کشورهای اروپائی و چین برای استراق سمع و جاسوسی و شناسائی افراد در اجتماعات و سیستم دوربین ها، هنوز اطمینان خاطری به حاکمیتی که دست و پایش را گم کرده نمیدهد. قطع اینترنت در دوره اعتراضات توده ای و قلع و قمع در سکوت خبری سیاست تاکتونی حکومت بوده است. حال با طرح جدید قرار است چشم و گوش و دهان مردم را ببندند و دور ایران دیوار بکشند. آیا می توانند؟ نه، به هزار دلیل نمی توانند. ترسیده اند، حساسی ترسیده اند، امانشان ندهیم، جارویشان کنیم!

سردبیر.

۸ مرداد ۱۴۰۰

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعلامیه حزب حکمتیست - ۵

صدای اتحاد از تبریز تا تهران**قدرت خشم ما قویتر از ماشین سرکوب است**

شهرهای خوزستان علیرغم استقرار گسترده نیروهای ضد شورش و دستگیری های محله به محله در اعتراض و خروش شبانه است. قطع کامل اینترنت در بیشتر شهرهای خوزستان و تلاش برای سرکوب و کنترل موقت اوضاع سیاست جمهوری اسلامی است. همزمان برای کنترل خشم مردم با "برسمیت شناختن حق اعتراض و انتقاد"، دستور آزادی کسانی که "عمل مجرمانه" مرتکب نشدند، قرنطینه خبری، سرکوب و بازداشت و شلیک به جوانان معترض تلاش می کنند. سیاست حکومت گرفتن دو هفته وقت، بیعارتی پایان دولت روحانی و استقرار دولت رئیسی، آزاد کردن موقت مقداری آب از سدها و مشتت و عده و عید است.

اما گسترش اعتراضات به سفر و بوشهر و کرج و بجنورد، خروش مردم آزادیخواه در تبریز و امروز دوشنبه در تهران، سیاست حکومت در خوزستان را بی خاصیت می کند. در این میان مردم هشیار سیاست تفرقه افکنانه حکومت را با شعارهای اتحاد بخشهای مختلف جامعه عقب راندند. حکومتی ها و رسانه ها با انتساب هویت قومی به اعتراضات و اینکه تعدادی "تجزیه طلب" و "ضد انقلاب" محرک اجتماعات اند، با مدین در شکاف های قومی و همزمان تحریک و غلغلک تعصبات کور ناسیونالیسم نژادپرست ایرانی، برای توجیه خط سرکوب و درهم شکستن اعتراضات تلاش کردند. مردم در تبریز و تهران با شعار اتحاد با مردم خوزستان توی دهنشان زدند. به هر درجه ای که حکومت و همراهانش موفق میشوند سفره یک بخش جامعه را از بخش دیگر جدا کنند و در میانشان تخم نفرت قومی و مذهبی و ملی بکارند، به همان درجه از یکی شدن و راه افتادن یک جنبش عظیم سراسری برای سرنگونی و استیفای آزادی و برابری و رفاه همگانی ممانعت کرده اند.

شعارهای اتحاد در تبریز و تهران و حمایت از مردم مبارز خوزستان بسیار مهم اند و کمک شایانی به اتحاد و اعتراض در سراسر کشور میکند. یعنی در مراکزی که حکومت و ناسیونالیستهای غیر مسئول و آریائی های متعصب تلاش می کنند صف مردم را درهم شکنند، ندای اتحاد و دفاع از برابری و رفع تبعیض، تعیین کننده است. در لحظه حاضر، مقابله با سیاست سرکوب در خوزستان و پاسخ دادن فوری به مسائل آنی آنها، تنها با گسترش اعتراضات به شهرهای بزرگ و استانهای دیگر ممکن است. تبریز و تهران دست بکار شدند و نقش کلیدی دارند. عملکرد حکومت و واقعیات زندگی نشان میدهد که خشم ما از ماشین سرکوب آنها قویتر است، ترس رنگ باخته و اراده جای آن نشسته است. این بار باید میلیونی برخیزیم و کارشان را یکسره کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۴ مرداد ۱۴۰۰ - ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۱

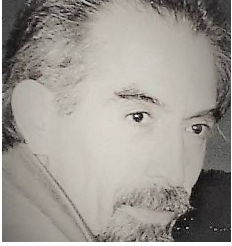
بیانیه شماره یک حمایتی مردم سندج

از اعتراضات خوزستان و سایر نقاط ایران

مردم شریف و آزادی خواه ایران، کارگران و زحمتکشان به ستوه آمده از ظلم و ستم حاکمان سود پرست، همچنان که اطلاع دارید چندین روز است که مردم خوزستان علیه فقر، گرسنگی، بیکاری و بخاطر برحق ترین مطالبات انسانی و حیاتی ترین نیاز بشر، یعنی آب دست به اعتراض زده اند. دولت و نظام حاکم به جای جواب به خواست برحق مردم به بیرحمانه ترین شیوه ی قرون وسطایی دست سرکوب و کشتار مردم زده است. تا این لحظه نه نفر از مردم شهرهای مختلف استان خوزستان جان خود را با گلوله نیروهای امنیتی از دست داده، دهها نفر زخمی و صدها نفر بازداشت شده اند. ما مردم سندج ضمن محکوم کردن کشتار و بازداشت مردمان خوزستان از تمامی ساکنین ایران تقاضا مندیم که از این اعتراضات پشتیبانی کنند. ما چیزی برای از دست دادن نداریم، بدون سرکوب و گلوله روزانه از فقر و گرسنگی و بیماری می میریم. تهدید و ترساندن ما دیگر بی فایده میباشد و به حاکمان جمهوری اسلامی هشدار می دهیم که دست از خشونت علیه مردم بردارند، در غیر اینصورت عواقب هرگونه اتفاقاتی در این زمینه متوجه خود سردمداران حکومت است.

درد بر مردم آزادیخواه و برابری طلب ایران
زنده باد رفاه، خوشبختی و آینده ای بهتر برای ایران

زنده باد شوراها!**ارگانهای اعمال اراده مستقیم****توده ای را همه جا برپا کنید!****در کارخانه ها و محلات شوراها را****برپا کنید!****امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و****فردا ارگان حاکمیت!**



یک پرچم چپ سرنگونی را بفرجام رساند. تنها یک دولت انقلابی برآمده از قیام میتواند از موضع قدرت نیروی وسیع و دهها میلیونی طبقه کارگر و جامعه تشنه آزادی را بسیج و بیوقفه به سوی یک انقلاب اجتماعی سوسیالیستی گام بردارد. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی میتواند آغاز انقلاب قرن بیست و یکمی ایران باشد، انقلابی کارگری.

کمونیسٹ ہفتگی: نظامیگری شهرها، بازداشت ها و سرکوب سیاست رژیم است. چقدر این سیاست جوابگو است و چه ارزیابی از روش برخورد حکومت به معترضان دارید؟

سیاوش دانشور: در طول هفته جاری تقریباً در تمام شهرها و شهرستانهای خوزستان حکومت نظامی برقرار است. در شهرهایی که اعتراضات در حمایت از خوزستان صورت گرفته فضای امنیتی شدیدتر است. همه جا نیروهای ضد شورش و امنیتی در مناطق حساس شهرها مستقر شده اند. با اینحال هر روز جایی به صف اعتراضات می پیوندند. در شهرهای خوزستان محلات را با نیروی انتظامی و پلیس قرق میکنند، کوچه به کوچه و خانه به خانه می روند و به هر کسی مشکوک باشند بازداشت می کنند. سیاست قلع و قمع و زدن و کشتن تاکنون هر خیری داشته دیگر جواب نمی دهد و این را سران حکومت می دانند. اما رژیم اسلامی بجز سرکوب راه دیگری بلد نیست، راه دیگری هم برویش باز نیست، نه میتواند مردم را آزاد بگذارد و نه میتواند وسیعاً بکشد و بازداشت و زندانی کند. یک نکته مهم را باید در نظر داشت و آن اینست که کشتار آبان جامعه را مرعوب نکرد، یعنی کارکردی را نداشت که جناح های رژیم انتظار داشتند. حتی خانواده های جانباختگان به صف اول مبارزه پیوستند و آبان به کابوسی تمام نشدنی بدل شد. جمهوری اسلامی خیلی مایل است با یک سرکوب خونین چند سالی جامعه را به محاق ببرد اما مطمئن نیست که بعد از سرکوب هنوز سر کار می ماند یا نه. روحیه قوی و عصبانیت مردم را می بینند و دستشان میلرزد. هر اشتباه محاسبه حکومت میتواند به یک بحران غیر قابل کنترل بدل شود. اوضاع رژیم وخیم است و جمهوری اسلامی بشدت ترسیده است.

کمونیسٹ ہفتگی: تفاوت و تشابه خیزش اخیر با خیزش دیماه و آبان ماه چیست؟ تفاوتها چه تاثیری بر سیر کشمکش جامعه با رژیم اسلامی دارد؟

سیاوش دانشور: تشابه اینست که ادامه همدیگرند و از یک نقطه عزیمت اجتماعی سر بر می کنند. این نیروهای طبقه کارگر، زحمتکشان شهری، محرومان و فقرزدگان، له شدگان و سرکوب شدگانند که بپاخاسته اند. واضح است در آن جامعه پپیچیده گرایشات و جنبش های سیاسی وجود دارند و از موضع تقابل با حکومت تلاش دارند سیاست خود را به حرکت اعتراضی و سرنگونی خواهانه حاکم کنند. جامعه قطبی تر از هر زمانی است و جنبش ها و احزاب سیاسی طبقاتی متخاصم همزمان وارد کشمکش برسر سرنگونی شده اند. تفاوت در تجربه ای است که در خیزشهای دی و آبان اندوخته ایم، در آنتاگونیزه تر شدن رابطه جامعه با جمهوری اسلامی، و مهمتر، زمان ویژه ای است که این

اوضاع سیاسی ایران

خیزش توده ای و وظایف کمونیسٹ ها

گفتگو با سیاوش دانشور

کمونیسٹ ہفتگی: حزب حکمتیست چه ارزیابی ای از رویدادهای اخیر ایران دارد؟

سیاوش دانشور: خیزش توده ای تیر ادامه خیزش توده ای دی و آبان است که اینبار از مجرای اعتراض به کمبود آب و برق بروز کرده است. هدف جنبش توده ای حاضر سرنگونی رژیم اسلامی است. اینکه در این کشمکش چه ایستگاههایی محتمل است و کل پروسه سیاسی چه سیری می گیرد، دیگر تماماً تابع کشمکش افقهای متمایز طبقاتی برسر سرنگونی است. امروز نیروهای زیادی سرنگونی طلب اند و قطعاً هرچه رفتن رژیم مسجل تر شود نیروهای بیشتری سرنگونی طلب خواهند شد. بعبارت دیگر، منتهاست که سرنگونی خواهی به بستر سیاست ایران بدل شده است. امروز صحبت برسر پلاتفرم سرنگونی، معنای سرنگونی و پرچمی است که جنبش جاری با آن به نبردهای سرنوشت ساز برای سرنگونی میرود. همراه با گسترش جنگ با جمهوری اسلامی، شاهد قطبی تر شدن سیاست و راه حلهای متمایز جنبش های اجتماعی و طبقاتی خواهیم بود. منتهاست در ایران خشم و شجاعت جای یاس و ترس نشسته است. این مرحله ای ضروری در هر پیشا-انفجار اجتماعی است، انگار ظرفی است که پر شده و سرریز می کند. وضعیت بطور عینی بگونه ای است که سکوت و تحمل دیگر برای بخش مهمی در جامعه ممکن نیست. تشدید بحران و فلج رژیم اسلامی و نداشتن راهی برای تخفیف مشقات فزاینده مردم، رودروئی و تلاقی های سیاسی تند را به هر بهانه و دلیلی اجتناب ناپذیر کرده است. این جامعه تشنه تغییر است و برای تغییر بمیدان آمده است.

کمونیسٹ ہفتگی: آیا ایران با یک انقلاب روبرو است؟

سیاوش دانشور: از نظر ما اطلاق انقلاب به خیزش کنونی نادقیق و نادرست است، این یک جنبش توده ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. برداشتن مانع جمهوری اسلامی هنوز سوال کلیدی جنبشهای اجتماعی و نیروهای سیاسی اپوزیسیون ایران است. نظر به رشد رادیکالیسم کارگری در ایران و حضور واقعی یک جنبش گسترده کارگری، نظر به بافت و ستون فقرات جنبش توده ای که عمدتاً زحمتکشان شهری و کارگران بیکار هستند، همینطور با عطف توجه به حضور نیروی وسیع اجتماعی مبارزه با تبعیض و نابرابری در قلمروهای زندگی اجتماعی، ایران آستان یک تحول زیر و رو کننده، یک انقلاب اجتماعی است. سیاست حزب حکمتیست و جنبش کمونیسٹ کارگری اینست که در صف اول جنبش برای سرنگونی حضور یابد، معنای سرنگونی انقلابی را در مقابل سیاست بند و بست در بالا به پرچم و افق جنبش سرنگونی بدل کند، در این پروسه وسیع ترین نیروهای ذینفع را در صفوف حزب و اردوی پرولتاریا متشکل کند و با

اوضاع سیاسی ایران

خیزش توده ای و وظایف کمونیست ها ...

اعتراضات رخ داده است؛ یعنی تحمیل یک شکست سنگین به حکومت در نمایش انتخابات، اعتصابات گسترده و بیسابقه صنایع نفت و مراکز کارگری مختلف ایران، و البته خشم و نفرت عظیمی که از جمهوری اسلامی در جامعه انباشت شده است. ما صرفاً با یک جامعه ناراضی و معترض روبرو نیستیم، این بیان گویایی برای وضعیت امروز سیاسی ایران نیست، ما با یک جامعه آماده نبرد و تعیین تکلیف با رژیم که از نگاه جامعه مسبب کلیه مشقات و فلاکت مردم است روبرویم. تأثیر این تفاوتها بر حاد شدن سریع کشمکش سیاسی روی مسائل گریه است که دهها میلیون انسان با آن روبرویند و جهتی که برای جنبش تفوق دارد. به همین دلیل است که چه حکومتی ها و چه نیروهای اپوزیسیون بورژوازی تلاش دارند زبان و ادبیات و شعارهای این اعتراض را اخذ کنند.

کمونست هفتگی: حزب چه سیاستی را در قبال اعتراضات توده ای دنبال می کند، کدام سیاستهای تاکتیکی در این وضعیت مشخص موثرند؟

سیاوش دانشور: حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در درجه اول بر نیازهای میرم پیشروی اعتصابات کارگری و مبارزات توده ای تمرکز دارد. تامین رهبری در سطوح مختلف، پاسخ به نیازهای سازماندهی حزبی و توده ای و انقلابی، تسری افق کارگری و کمونیستی در مقیاس جامعه و اتکا به عمل انقلابی، ایجاد آمادگی و بسیج و سر و سامان دادن به اردوی طبقاتی مان برای نبردهای جاری و پیش رو، فشرده سیاست ماست. در قلمرو تاکتیک ها و شعارها، ما روی عمل انقلابی و ایجاد نهادهای اعمال اراده و قدرت کارگری و توده ای، ایجاد ارگانهای دفاع از خود که باید بسرعت به میلیس توده ای ارتقا یابند تاکید داریم. یک هدف و تلاش کلیدی ما کمک به سازماندهی و قدرتیگری یک جنبش شورائی است که بمثابة ارگانهای بسیج و مبارزه و قیام و اعمال قدرت در کنار تحزب کمونیستی نقش ایفا کند. سرنگونی جمهوری اسلامی در گرو ایجاد سازمانهای شورائی نیست اما برآمد یک جنبش شورائی یک رکن مهم سیاست و استراتژی ماست. جامعه ایران و دنیا بشدت متحول شده است، تفاوتها امروز با دوران انقلاب ۵۷ بیشتر از شباهت هاست. ما مبشر و مبلغ ابتکار انقلابی و کارگری در دوره انقلابی هستیم. مضافاً بیرون جنبش ما بورژوازی بیکار ننشسته است و با یک دنیا امکانات و صنعت دروغ علیه هر پیشروی کارگر کار می کند. کمونیسم ایران باید برای پاسخ دادن به سوالات و تحولاتی که در دوره انقلابی روی میز جامعه و جنبشها قرار می گیرند پاسخ درخور و سر وقت دهد. قطبنمای تعیین تاکتیک و سیاست ما در قبال سوالات مشخص، تابعی از منفعت جنبش طبقه ما برای ایفای نقش در اوضاع جاری و استراتژی انقلاب کارگری است.

کمونست هفتگی: در مقابل سرکوب خشن حکومت بعضاً طرح می شود که تنها تظاهرات و اعتراض جواب نمی دهد، باید مسلح شد، باید انقلابی عمل کرد. حزب چه می گوید؟

سیاوش دانشور: امروز حتی هالوهای عوامفریب اصلاح طلب حکومتی هم باور ندارند که مردم میتوانند از طرق مدنی و مسالمت آمیز و قانونی به حقوق شان برسند. واقعا جواب حکومت به آن جوان که گفت: "بیکارم، ۲۲ سالمه، حقم را میخوام، تیر نزن" چیه؟ جواب حکومت اسلامی فقط قهر ضد انقلابی و سرکوب است. جواب ما هم اعمال قهر انقلابی و درهم شکستن و خلع سلاح نیروی سرکوب است. ما یک سر سوزن توهم نداریم که جمهوری اسلامی به زبان خوش قدرت را به مردم واگذار نمیکند. اگر عقل داشته باشند باید اینکار را بکنند. جمهوری اسلامی با سناریوهای اطلاعاتی و امنیتی تلاش دارد فضا را نظامی و توده مردم را از صحنه سیاست قیچی کند. وارد کردن اسلحه به اعتراضاتی که هنوز بخش مهمی از شهرهای ایران را دربرنگرفته و توان آن هنوز محدود است، اشتباه مهلک سیاسی و عملی آوانتوریستی است که به سرکوب حکومتی توجیه می دهد. الان و در این لحظه و تناسب قوای معین وقت اینکار نیست. باید تاکید کرد که مردم در مقابل نیروی سرکوب حق دارند و باید به هر طریق مقدر از خودشان دفاع کنند. بالاخره رشته اعتراضات و خیزشها باید با قیام برای فتح قدرت، خلع سلاح نیروهای حکومتی و بدست گرفتن اوضاع توسط قیام کنندگان ارتقا یابد. رشته قیامهای شهری برای خارج کردن قدرت از دست جمهوری اسلامی بدون اقدامی سازمانیافته و مسلحانه غیرممکن است. جایی باید دست به اسلحه برد و ارگانهای قیام ناچارند مقاومت نیروی سرکوب را با قدرت و قاطعیت انقلابی درهم شکنند. اما در تناسب قوای کنونی وارد شدن به جنگی نابرابر یک سیاست بشدت غیر مسئولانه و بنفع حکومت اسلامی است.

کمونست هفتگی: با درجه ای از تبلیغات ناسیونالیستی در حاشیه خیزش در خوزستان روبرو بودیم. مکان و مخاطره این تبلیغات کدامند؟

سیاوش دانشور: ناسیونالیسم یک گرایش واقعی اجتماعی در جامعه، یک جنبش سیاسی و یک رکن اساسی ایدئولوژی بورژوازی است. تا بورژوازی هست با ناسیونالیسم و رگه های ناسیونالیستی از راست افراطی تا چپ روبرو هستیم. لذا در هر اعتراض و اجتماعی امکان اینکه گروهی محدود یا بخشی از مردم چه آگاهانه و چه دنباله روانه شعائر ناسیونالیستی و تفرقه افکنانه و حتی نژادپرستانه سردهند، اصلاً عجیب نیست. اما بیشتر تبلیغات ضد عرب و آریائی و قومی در ایندوره که محدود هم بود، از مراکز امنیتی و اطلاعاتی تولید می شد. جمهوری اسلامی با این سیاست بلافاصله اعتراضات برسر فقر و گرانی و بی آبی را به گروه ها و دستجات "تجزیه طلب" نسبت میدهد تا هم مبارزه جاری را مخدوش کند و هم تعصبات عقیمانده ناسیونالیسم ایرانی را باخود همراه کند. شاهد بودیم که بخشی از آریائی ها تریبون گرفتند و از جمهوری اسلامی خواستند که "تجزیه طلبان را بشدت سرکوب کند!" نباید صورت ظاهر تبلیغات حکومتی را پذیرفت، در عین حال در قبال سیاستهای نامربوط و تفرقه افکنانه باید ایستاد. دعوی ناسیونالیسم از هر نوعش با جمهوری اسلامی خانوادگی و درون طبقاتی است، دعوی مردم با حکومت برسر منافع مشخص و متمایز است، برسر آزادی و برابری و رفاه است.

دیده می شود که در برخی از تحلیلهای چپگرایانه، وجود واقعیت زشت ستم ملی و تبعیضی که به مردم عرب زبان شده و میشود، مبنایی برای قبول تبلیغات امنیتی یا ایجاد یک رابطه یک به یک بین فاجعه فقر و گرانی و بی آبی با هویت های قومی و ستم ملی برقرار

آزاد و بانک جهانی؟ ما به اردوی وسیع آزادیخواهی و برابری طلبی، به اردوی کارگر و کمونیسم و صف انقلابیگری می‌گوئیم؛ انتخاب کنید، متشکل شوید، متحزب شوید، جلو بیافتید، قانع کنید و همراه کنید، سازمانهای حزبی و نهادهای انقلابی مخفی و نیمه علنی و علنی ایجاد کنید، به سوالات اساسی نبرد فکر کنید و برای تدارک حرکت‌های گسترده آماده شوید، به صفوف حزب حکمتیست بپیوندید یا با حزب در یک رابطه جنبشی و رفیقانه کار کنید. منفعت طبقاتی و استقلال سیاسی و تشکیلاتی جنبش طبقه کارگر و هدف یک جامعه آزاد و خوشبخت سوسیالیستی را مینا قرار دهیم و بعنوان یک اردوی رادیکال و سازش ناپذیر برای سرنگونی انقلابی بمیدان بیایید.

۲۹ ژوئیه ۲۰۲۱

اعتراض برای یک بطری آب

یا برای ادامه زندگی ...

سهراب است و بحدی مضحک و تراژدیک است که خشم مردم را فزونتر کرده است. آن نیروی اپوزیسیون دست راستی که به جمع آوری کمک های مالی برای خرید شیشه های آب معدنی به تبلیغات مضحکتر از جمهوری اسلامی هم متوسل می شود، جز به بیراهه کشیدن مبارزه مردم برای سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی کار دیگری نمیکند.

در ایران نجات مردم و جامعه و نجات طبیعت و محیط زیست، جلوگیری از گسترش فجایعی که هر روز عمیقتر می شوند، جلوگیری از ادامه وضعیتی که حیات میلیونها انسان و محیط طبیعی آنها را به خطر انداخته است، سرنگونی جمهوری اسلامی است.

راه برون رفتی وجود ندارد. آب هست، برق هست، ثروت هست، همه چیز را گرو گرفتند تا بردگی ما را تشدید کنند. قبول نکنیم و زندگی مان را بازستاییم. کنترل آبهای کشور، تقسیم علمی و عادلانه، نگهداری درازمدت منابع و حفظ محیط زیست را باید در دست گرفت. این کار شوراها و دولت انقلابی آینده است. با جمهوری اسلامی هیچی تغییر نمیکند. این روزها بیش از هر دوره ای وقت سازماندهی و متشکل شدن است. خشم مردم و تنفر از رژیم را به نیرویی سراسری برای سرنگونی جمهوری اسلامی تبدیل کنیم.

۲۹ جولای ۲۰۲۱

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

کمک مالی کنید!

اوضاع سیاسی ایران

خیزش توده ای و وظایف کمونیست ها ...

میشود. اینها هیچ ارتباط یک به یکی ندارند، ستم ملی و اعمال تبعیض به اکثریت جامعه مینای صرفا زبانی و قومی ندارد، مینای طبقاتی دارد، ایجاد شکاف تصنعی و استفاده از شکافهای واقعی و تاریخی برای برهم زدن صفوف متحد علیه جمهوری اسلامی کار همیشگی نهادهای اطلاعاتی حکومت است. بورژوازی عرب زبان و ترک زبان و کرد زبان و فارس زبان به یک اندازه دشمن مردم کارگر و زحمتکشی هستند که به این زبانها تکلم می کنند. رفع تبعیض و هر نوع ستمی یک رکن اساسی برنامه کمونیستی ماست. این فرق دارد با قبول تبلیغات امنیتی علیه یک خیزش توده ای. ما خیزش مردم در تهران و اصفهان و شیراز را به زبان و تعلق قومی و ملی معترضین نسبت نمی دهیم. این مردم عادی، زن و مرد، پیر و جوان، کارگر و زحمتکش اند که اعتراض دارند، درد مشترک و دشمن مشترک دارند. نباید به جمهوری اسلامی و نیروهای دست راستی اجازه سواستفاده داد.

کمونیست هفتگی: حزب چه دعوت و فراخوانی دارد؟ کمونیست ها و رادیکال ها در این شرایط چه اولویتهایی دارند؟

سیاوش دانشور: بدترین سیاست در ایندوره سیاست انتظار و ببینیم چه خواهد شد است. دوره دخالت انقلابی و عمل انقلابی است. به نظر ما باید به سمت اعمال کنترل و اعمال قدرت توده ای و کارگری به هر میزان که ممکن است رفت. باید به سمت بدست گرفتن ابتکار عمل سیاسی و آزاد کردن و بدست گرفتن هرچند موقت اوضاع رفت. پروسه سرنگونی صحنه فیلم سینمایی نیست، صحنه عمل و ابتکار عمل و جنگهای قهرمانانه نیروهای درگیر است. هر عمل مشخص و پاسخگو در ایندوره میتواند بعنوان کاتالیزور و تسهیل کننده کل جدال سیاسی کمک کند. هر الگو و هر ابتکار خلاقانه و پیشرو میتواند به شکل دادن به هویت انقلابی جنبش سرنگونی کمک کند. ما میگوئیم ایران یک نیروی عظیم کارگری و چپگرا و سوسیالیست و کمونیست و انقلابی دارد، دهها هزار کادر و فعال و معترض و رهبر کارگری و اجتماعی البته با دیدگاههای گوناگون. این جامعه روی بمب نفرت از اسلام و مذهب و سرمایه نفس می کشد، باید نبض جامعه را بشناسیم و تعرض را از هر جبهه ای سازمان دهیم. نه جنبش راست پروغرب و نه ملی اسلامی های در حال احتضار کامل از چنین موقعیتی برخوردار نیستند. بورژوازی یک دنیا امکانات مالی و اسپانسر دارد، کمونیست ها و کارگران اما یک نیروی واقعی و سهمگین اجتماعی اند. این نهایتا جنگی برسر قدرت سیاسی است، یک جنگ حاد طبقاتی است. کشمکش طبقاتی در ایران در لحظه کنونی برسر سرنگونی متمرکز شده است. رژیم اسلامی باید برود و سرنگون شود، چطور و کدام جنبش و کدام افق خود را به رهبری سرنگونی و تحولات بعد از سرنگونی میرساند، دیگر امری تماماً پراتیکی است که روی میز همه ماست.

حرف ما اینست که اردویتان را مشخص کنید، کنار کارگر و راه حل کمونیستی هستید یا کنار بورژوازی و راه حل سرمایه دارانه؟ چپ هستید یا راست؟ سوسیالیست و برابری طلب هستید یا طرفدار بازار



این گزارش نشان می‌دهد که "سد گتوند" بر روی گنبدهای نمکی گچساران ساخته شده است. این سد که در سال ۱۳۶۸ ساخته شد و در سال ۱۳۹۳ بدلیل جمع شدن نمک، توربین های سد از کار افتادند. علاوه بر این با شور شدن آب شیرین کارون در طی این مدت

تقریباً طبیعت خوزستان و نخلهای این جلگه را به نابودی کشاند. (به نقل از این گزارش در سایت بهارنیوز).

سد "سد گتوند" تنها یکی از پروژه های فاجعه آفرین در ایران است. بستن سد از دهه ۱۳۶۰ در ایران بدون تحقیقات لازم به یکی از پروژه های مهم دولتهای مختلف در جمهوری اسلامی تبدیل شد و با واگذاری این پروژه ها به باندهای مافیائی و عمدتاً سپاه مشغول فروش منابع و سرچشمه آب تقریباً در همه جای ایران هستند تا جاییکه که روحانی رئیس جمهوری ایران در بیست خرداد امسال برای رفع بی آبی از افتتاح ۵۰ سد بطور میانگین در هفته صحبت کرد. سدهایی که اکنون ضررها و صدمات ناشی از آن هر روزه به طور جدی آشکار می شود. کارشناسان حکومتی اکنون با دسته پاچگی از ۳۴ برابر شدن فرسودگی خاک بر اثر عوامل مختلف از جمله از بین رفتن سفره های آبهای زیر زمینی و ناپیدا شدن بخش های مهمی از گونه های زیستی چه در دریاها و یا مناطق مختلف ایران هستند.

برخلاف تمام سیاست های سرکوب رژیم در ایران و مقابله با آگاهی و حرکت و دخالت مردم در زندگی روزمره شان، مردم ایران سالهاست این خطر را دریافته اند و با متشکل شدن در انجمنهای محیط زیستی تلاش نموده اند که آنچه از دستشان برمی آید چه با تلاش فردی و گروهی چه با مراجعه به مقامات محلی آنها را متوجه فاجعه خشک شدنی که در راه است بنمایند. واقعیت این است که اگرچه تحولات جوی در جهان و ایران بشدت در حال تغییرات است اما سرعت این تغییرات با برنامه های علمی و غیر سود محور دولتها می تواند کم شود. صورت مسئله روشن است. در ایران آب وجود دارد اما دزدیده و بفروش میرسد، برای کارخانه های خودی انتقال می یابد و تخصیص آب به کشاورزی و شرب و صنعت و بازسازی هیچ تناسب معقول و علمی و درازمدت ندارد. مردم خوزستان که دریکی از ثروتمندترین مناطق ایران زندگی می کنند سالهاست با از بین رفتن مناطق زراعی و طبیعت خوزستان دست بگریانند، اکنون به حق مسبب تمام این فجایع را جمهوری اسلامی می دادند و انگشت اتهام را بسوی کلیت رژیم نشانه رفته اند. آب ابتدایی ترین نیاز حیات انسان است و از بین بردن این حق ابتدایی برای مردمی که در شرایط خطرناکی زندگی می کنند چاره ای جز خیزشی عمومی بر علیه کلیت نظام نگذاشته است.

خوزستان یک نمونه است. این وضعیت کمابیش در جاهای دیگر ایران هم در شرف وقوع است. خلاصی و نجات از وضعیت مصیبت باری که اکنون گریبان همه را گرفته است در اعتراضات بیان شده است: "مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی" نشان می دهد که تنزل دادن خواست مردم به یک بطری آب آشامیدنی یا فرستادن تانکرهای آب به خوزستان، نوشداروی بعد از مرگ

اعتراض برای یک بطری آب یا برای ادامه زندگی؟

پروین کابلی

این کشف تازه ای نیست که همه گونه های روی زمین به آب احتیاج دارند. بشر که تکامل یافته ترین موجود روی زمین است ۸۵ درصد بدنش از آب تشکیل شده است و با همین دلیل ساده می توان فهمید که چرا مبارزات و اعتراضات مردم در نقاط ایران و در هفته های اخیر در خوزستان کلیت حکومت را نشان رفته است. مردم در ایران برای ادامه زندگی به آب که سرچشمه حیات است نیاز دارند و جمهوری اسلامی اب را از مردم دریغ می کند.

جامعه سرمایه داری از ابتدا و بنا به کارکرد خویش از جمله بدلیل سازماندهی تولید در تناقض و حتی در تقابل با طبیعت و محیط زیست، علیه کره خاکی و موجودیت آن عمل کرده است. تغییرات محیط زیستی همواره منشا ابراز نگرانی بوده است اما از دهه ۵۰ میلادی است که خطرات محیط زیستی بر زندگی انسان بطور جدی تر مورد بحث پژوهشگران و سازمانهای جهانی قرار گرفت. در ایران دوره پهلوی بحثهایی در مقاطع مختلف از مجلات بشدت سانسور شده از طرف ساواک به بیرون درز میکرد. یاد می آید که همان دوران مسئله آب آشامیدنی در شهر تهران و همینطور سیستم فاضلاب در تهران بطور دائم مورد بحث مردم عادی هم بود. اما در این مورد هیچ اقدام جدی انجام نشد.

در سالهای اخیر بحران آب همراه با افزایش خطر آلودگی هر چه بیشتر محیط زیست بطور جدی مورد بحث روزانه می باشد و بنا به تناسب قوای علیه سرمایه داری در بعضی کشورها اقداماتی در دستور کار قرار گرفته است. اما تمام شواهد تاکنونی دال بر این است که جمهوری اسلامی و مشاورین مختلف در دپارتمان های مربوطه به اوضاع وخیم محیط زیست آگاه بوده اند و هیچ اطلاعاتی را در این مورد از دست نداده اند و در این مورد اقدامی اساسی را در دستور خود قرار نداده اند.

حدود پنج سال پیش دوستی از ایران که در یکی از پروژه های دولتی دست دارد و از توجه من به مشکلات محیط زیست آگاه شده بود با من تماس گرفت و در مورد سدی "گتوند" که بدلیل شور کردن آب کارون تمام مزارع خوزستان را تحت الشعاع قرار داده و بخش مهمی را نابود کرده است، اطلاعاتی را در مورد چگونگی ایجاد این سد که باعث از بین رفتن آب آشامیدنی منطقه حاصلخیز خوزستان می شود در اختیار من گذاشت. این اطلاعات و اینکه چگونه دولت جمهوری اسلامی در مناطق شور زمین اقدام به ایجاد چنین سدی نموده است با شگفتی فراوان من روبرو شد.

اخیرا دکتر محمد جواد عبدالهی از استادان دانشگاه چمران اهواز در گزارشی در این مورد پرده از فاجعه ای عظیم و خانمانسور برمیدارد.



اوضاع جدید سیاسی: در پرتو تحولات مهم ۲۸ و ۲۹ خرداد بخش اول: آرایش جدید هیئت حاکمه جمهوری اسلامی به چه منظور؟

رحمان حسین زاده

تنها زیست طبقه کارگر و مردم زحمتکش، بلکه سوخت و ساز و زیست عموم جامعه را به سمت تباهی سوق داده است. مقابله با این وضعیت و تصمیم به تغییر آن پایه اساسی خشم و نفرت و انزجار کارگران و توده مردم و مبارزات امید بخش آنها در مقابل جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی فهمیده است، برای تضمین بقای نظام ننگینش بار دیگر باید با اعتراضات گسترش یافته و پرتیش کارگران و مردم و جنبش سرنگونی طلبانه دریفتند. این اساس هدف جمهوری اسلامی از آرایش جدیدی است که در ساختار قدرت سیاسی خود ایجاد کرده و با گماردن رئیسی در راس قوه مجریه، به زعم خود با هماهنگ شدن سه قوه و یکدست کردن حاکمیت سیاه اسلامی، اگر بتواند، مبارزات کارگران و مردم را در هم کوبند و یا حداقل اوضاع را به قبل از دی ماه ۹۶ برگردانند.

در آنچه به یکدست کردن حکومت مرسوم شده، باید دقت کرد. ما میدانیم، جمهوری اسلامی با همه پیکره و جناحهایش از روز اول عمرش تاکنون در مقابل کارگران و مردم یکدست بوده است. از اسفند ۵۷ و تعرض به حقوق زنان در هشتم مارس و سپس حمله به بیکاران و دانشگاه و حمله به ترکمن صحرا و کردستان و قتل عامهای دهه ۶۰ زیر نظر جلال خمینی تا قتل عامهای آبان ۹۸ و سرکوبگری اخیر در خوزستان، کل جمهوری اسلامی و دو جناح یک دست بوده اند. یک مثال شاخص را یادآوری کنم، در سرکوب دانشجویان در ۱۸ تیر ۷۸ خاتمی "اصلاح طلب" که رئیس جمهور بود، بسیار خصمانه تر از خامنه ای علیه دانشجویان معترض صحبت کرد و شدت عمل به خرج داد و همان وقت همین روحانی اقدامات خشن نظام را علیه دانشگاه و دانشجویان اعلام کرد. لذا سران این دو جناح در کنار هم مجرم و در فردای پیروزی کارگر و مردم باید به سزای اعمالشان برسند.

اما جمهوری اسلامی از آغاز پیدایش تاکنون در درون خود شکاف داشت. از نظر ما این شکافها جنگ زرگری نبود و واقعی بود. به ویژه با شروع دوم خرداد و جست و خیز اصلاح طلبی حکومتی و به دنبال جنبش سبز و اعتدالیون بنفشی، و در مقابلشان جبهه ای که اصولگرا نامیده میشدند، دو جناح در هیئت حاکمه جمهوری اسلامی موجود بوده و رسمیت داشتند. هدف مشترک هر دو جناح حفظ نظام و برای این هدف اما هر کدام نقشه راه و طرحهای متفاوت خود را داشتند. این مبنای شکاف آنها بود که از جمله در مضحکه های "صندوق چرخانی مجلس و ریاست جمهوری" خود را نشان میداد. مانورهای دو جناح و از جمله کارکرد، "اصلاح طلبان و اعتدالیون حکومتی" برای جمهوری اسلامی عمر خریدند. دوره هایی به عنوان سوپاپ اطمینان رژیم عمل کردند. بر اثر همین کارکرد در یک پروسه نفرت و انزجار بیشتر مردم را نصیب خود کردند. از سالها قبل و به ویژه از دی ماه ۹۶ به بعد از جانب مردم پرونده شان تماماً بسته شد. این جناح علیرغم مانورهای فریبکارانه اما در مقابل جناح سکاندار جمهوری اسلامی که در

در این نشست حزبی به منظور رعایت وقت در مورد تحولات جهانی و منطقه ای تاثیرگذار بر اوضاع سیاسی ایران صحبت نمیکنم، به ویژه که در جلسات قبلی در این رابطه صحبت کردیم و سندی هم تهیه شده، امیدوارم به نتیجه برسد. اینجا قصدم فوکوس بر اوضاع سیاسی جاری در ایران است. خطوط بحث را در فرمت سئوالاتی برایتان فرستاده بودم، چون فکر میکنم که اگر در صورت مسئله و سئوالات گرهی که در این دوره مطرحند، شریک شویم، بخش مهمی از هم نظری و هم جتهی را تامین کردیم. در این جلسه به سهم خود میکوشم، پاسخ را به سئوالات مطرح شده، ارائه کنم.

مبحث را در دو سطح، یعنی اولاً، تبیین اوضاع و ثانیاً طرح خط مشی کمونیستی و فوکوسهای تاکتیکی ما در این دوره پیش میبرم. اولین سئوال و مسئله اینست اکنون آیا با اوضاع جدید سیاسی روبرو هستیم؟ اگر کسی و جریانی پاسخ منفی باشد، لابد بحث نمیخواهد، کار و اقدامات ویژه تری نمیخواهد و طبق روال گذشته به کارهایمان ادامه میدهم. اما من فکر میکنم دقیقاً با اوضاع جدید و مولفه های مهم جدیدی در اوضاع سیاسی و در سطح بازیگران صحنه سیاسی روبرو هستیم. وقتی میگویم با اوضاع جدید روبرو هستیم، معنایش این نیست تماماً از ماقبل خود بریده است. به قول معروف همیشه حال و آینده در گذشته ریشه دارد. روندهای از قبل شروع شده، در مقاطعی و در شرایط حاضر فوران پیدا میکنند. به نظرم حرکت سراسری و هدفمند دهها میلیونی مردم ایران در به شکست کشاندن جمهوری اسلامی در روز ۲۸ خرداد و اعلام اراده قاطع توده ای به سرنگونی جمهوری اسلامی و به دنبال آن روز بعدش ۲۹ خرداد و وقوع اعتصاب دهها هزار نفری کارگران بخش وسیعی از مراکز صنایع نفت و پتروشیمی ها مقاطع تعیین کننده از فوران کردن، روندهای مهم قبلاً شروع شده و اکنون به فرجام رسیده است، که شرایط و مولفه های جدیدی را در فضای سیاسی و صف بندی نیروهای بازیگر صحنه سیاسی شکل میدهند. نیروهای بازیگر صحنه منظوم، هیئت حاکمه جمهوری اسلامی، مردم و جنبش سرنگونی، جنبش کارگری و قطب چپ و کمونیست و اپوزیسیون راست پروغری ایران است.

۱- آرایش جدید هیئت حاکمه جمهوری اسلامی در راستای چه هدفی؟
بدواً باید تاکید کنم، شرایط جدید پیش آمده یک واقعیت اساسی را تغییر نمیدهد که جمهوری اسلامی هر آرایش جدیدی به خود بگیرد و هر نوع پروپاگاندا و ارونه را سازمان دهد، ناتوان از حل معضلات مرکب و پیچیده ای است که گریبانش را گرفته است. هیئت حاکمه جمهوری اسلامی از آغاز حاکمیتش تاکنون عامل ایجاد و عمیق تر شدن بحرانهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی است که زندگی اکثریت عظیم شهروندان جامعه ایران را به تنگنای سختی کشانده است. گرسنگی، تشنگی، فقر و تبعیض و نابرابری، عدم تامین نیازهای اولیه معیشت، سلامت و بهداشت و واکنشهای مسکن، نه

اوضاع جدید سیاسی:

در پرتو تحولات مهم ۲۸ و ۲۹ خرداد ...

رأش خامنه ای و سران سپاه پاسداران قرار دارند، کاره ای نبودند. حداکثر مزاحمتهایی در مقابل نقشه های سپاه پاسداران ایجاد میکردند. خامنه ای و سپاه پاسداران این بار بساط مضحکه انتخابات را چه دوسال قبل در رابطه با مجلس اسلامی و این بار در ریاست جمهوری چنان معماری کردند، که اینها از ساختار قدرت بیرون رانده شوند. اکنون این اتفاق افتاده است. عمر مفیدشان برای حفظ نظام از جانب گردانندگان اصلی این رژیم به پایان رسید. هر سه قوه در کنترل مستقیم جناح سکاندار جمهوری اسلامی و سرسپردگان بی اما و اگر خامنه ای است. در نتیجه به این معنا حاکمیت یکدست شده و برای همیشه جناح "اصلاح طلبی و اعتدالی" با پلاتنوم و نقشه راه متفاوت جایی در ساختار قدرت جمهوری اسلامی نخواهند داشت. هیئت حاکمه جمهوری اسلامی دقیقاً متوجه خیزش و جنبش انقلابی کارگران و مردم سرنگونی طلب شده، به زعم خود میخواد بدون شکاف درونی، به عنوان سیستم و دستگاه واحد خشن در مقابل موج طوفنده مبارزات بنیان برافکن بایستند. از این سر به چنین یکدست شدنی نیاز داشتند. به قول ژورنالیستها اکنون "هسته سخت قدرت" همه اهرمهای قدرت را در دست دارند. سرنوشت و عاقبت روحانی، طریف و دارودسته اعتدالیون بنفشی اگر بدتر از خاتمی و اعوان و انصارش نباشد، قطعاً بهتر نخواهد بود.

یک سؤال مطرح است، که آیا شکافهای درون جمهوری اسلامی تمام میشود. به نظر من، اما جنس شکافها و جناح بندیهای احتمالی بعدی متفاوت از آنچه خواهد بود که در چهار دهه اخیر عمر جمهوری اسلامی تجربه شد. به نظر من در چهارچوب جمهوری اسلامی سوق یافته به لبه پرتگاه سرنگونی دیگر جناح بندی به نام "اعتدال و اصلاح" سر بر نمیآورد. اما شاهد کشمکشهای باندهای سیاسی و نظامی حتی از درون همان سپاه پاسداران و ابواب جمعی خامنه ای برس سهم بری از قدرت و پول و ثروت و امکانات خواهیم بود. این پدیده در شرایطی که بیشتر نظامشان به سقوط نزدیک شود و یا در مقطع مرگ خامنه ای تشدید خواهد شد.

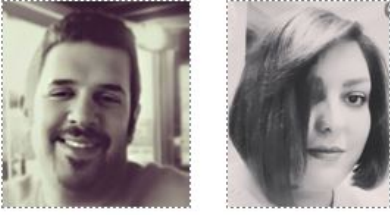
۲- آرایش جدید حکومتی و دولت رنیزی به چه امکانات و روشهایی متکی خواهد شد؟

سران جمهوری اسلامی به روشنی میدانند بر روی پله آخر مرگ یا بقای حکومتشان ایستاده اند. مسئله اینست از این به بعد برای بقای خود، چه ترفندها و روشهایی را حدادی میکنند و بیشتر به کار میگیرند. تردیدی نیست تشدید فشار و سرکوب و در تنگنا قرار دادن جامعه و به ویژه جنبشهای اعتراضی و کانونهای الهام بخش این مبارزات، یعنی پیشروان کارگری و فعالین و پیشروان مبارزات اجتماعی مثل همیشه اولین حربه آنها است. بر نهادها و تشکلهای و کانونهای معترض مدافع حقوق کارگر و مردم که اکنون مستقل از دولت عمل میکنند اعمال فشار خواهند کرد. دولت رنیزی هنوز دست به کار نشده، مجلس همگامش طرح ایجاد محدودیت بیشتر بر اینترنت و شبکه های اجتماعی را پیش کشیده است. اما مسئله اینست، به خوبی میدانند، امکان و توان سرکوبگریشان محدود شده است. توان اعمال فشار مثل

گذشته را ندارند و بعید است به هدفشان برسند. در نتیجه ترفندهای دیگر را به کار میگیرند. یکی از این حربه ها وعده های "مستضعف پناهی و عدالتخواهی" و به ویژه در شروع کار توزیع "صدقه های اسلامی" و احتمالاً جاری کردن دوباره سطحی از "پارانه ها" به سبک احمدی نژاد خواهد بود. در چهارچوب چنین ترفندی است، که از مدتها قبل، تردی را به نام "بسیجیان عدالت خواه و دانشجویان عدالت خواه" به میان مبارزات کارگری، بازنشستگان و دیگر تحریکهای اجتماعی گسیل داشتند و ریاکارانه تلاش دارند، مسیر مبارزات کارگری و توده ای را به کجراه ببرند. دولت رنیزی جنایتکار این ترند و حربه فریبکارانه "عدالت خواهی" را تقویت خواهد کرد. خنثی کردن کارکرد دارودسته حکومتی "عدالت خواه" جدیتر از گذشته وظیفه کارگران و همه مبارزین آگاه و کمونیستها خواهد بود.

اقدام دیگر دولت رنیزی و کل هیئت حاکمه جمهوری اسلامی، کرنش در مقابل قدرتهای بزرگ در چهارچوب برجام و یا در فرمتهای احتمالی دیگر خواهد بود. دلیلش روشن است. برخلاف پروپاگاندا و ارونه، اینها برای بقای خود، به پول احتیاج دارند. در نتیجه باید کاری کنند، اگر نه همه بخشی از تحریمها کنسل شود، تا سطحی از پول در وهله اول برای تامین بودجه های کلان نیروهای نظامی و انتظامی و سرکوبگر و تروریست و دم و دستگاه حکومتی را داشته باشند. تازه از ته مانده آن، طرحهای توزیع "صدقه های اسلامی و پارانه" را بازسازی کنند. باید کاری کنند، امکان درجه معینی از معامله و داد و ستد و فروش نفت و غیره، اگر نه با غرب حداقل با دولتهایی مثل چین و روسیه و دولتهای منطقه را پیدا کنند. راه اینکار، رسیدن به توافقاتی با آمریکا و غرب است. فعلاً در قالب برجام این سازش مطرح است. اما اگر این چهارچوب هم به بن بست برسد، مجبورند به روش دیگری تن به اینکار بدهند. خامنه ای و جناحی که اکنون در رأس همه امور حکومت است، نمیخواست این سازش به نام دولت روحانی و جناح "اعتدالیون" انجام بگیرد، چون در آنصورت سهم خواهی جناح "اعتدالیون" در ساختار قدرت ادامه پیدا میکرد. اینها که قصد بیرون انداختن این جناح را از ساختار قدرت داشتند، تقلاهای دولت روحانی را در این زمینه به شکست کشاندند.

یک حربه دیگر جمهوری اسلامی به تنگنا افتاده، همانند همه حکومتهایی که به سرازیری سقوط می افتند، سرمایه گذاری بیشتر بر تشدید شکافهای ملی و مذهبی خواهد بود. به ویژه میدانند، چنین گسلهای و شکافهایی در جامعه وجود دارند. از این طریق تشدید تفرقه و مردم را زیر لوای مذهب و قومیت مختلف به جان هم انداختن یک خطر جدی است. بخشی از اپوزیسیون ملی و مذهبی هم آتش بیار معرکه و همسوی جمهوری اسلامی خواهند بود. مشخصاً دولت تماماً خشکه مذهبی رنیزی جنایتکار بر پروپاگاندا ایدئولوژیک اسلامی و تفرقه مذهبی دامن خواهد زد. خنثی کردن چنین ترفندی هم تنها با آگاهی و روشن بینی پیشروان آگاه مبارزات کارگری و توده ای و فعالیت بی امان کمونیستها و آزادیخواهان میتواند خنثی شود. نمونه هایی از این اقدامات هوشیارانه در جریان همبستگی با مبارزات مردم خوزستان خود را نشان داد، که بسیار مثبت بود. در بخشهای بعدی این مبحث به مؤلفه های دیگر اوضاع سیاسی و از جمله در قسمت بعدی به موقعیت کنونی جنبش سرنگونی و اعتراضات مردم و کنکرت تر به موقعیت جدید جنبش کارگری میپردازیم. ادامه دارد ...



ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

اعتصاب مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه

امروز جمعه اعتصاب کارگران هفت تپه وارد ۱۸مین روز خود شد. کارگران اعتصابی تجمعات خود را در محوطه هفت تپه و راهپیمایی در خیابانهای بازار هفت شوش تاکنون پیش برده اند و اعلام کردند که فردا شنبه جلوی فرمانداری تجمع برگزار می کنند.

اعتصاب و اعتراض برای خواستهای:

- اجرای رای خلع ید و محاکمه کارفرما

- پرداخت فوری دستمزدهای معوقه

- بازگشت به کار کارگران اخراجی

- تمدید قرار داد کارگران بخش غیر نیشکری، دفع آفات و فصلی در

کارخانه و تجهیزات

- انجام واکسیناسیون ثانید شده و رایگان

کارگران هفت تپه طی هفته اخیر بارها حمایت خود را از خواست به حق مردم خوزستان اعلام داشته و خواستار رسیدگی فوری به حقوق پایمال شده کارگران و زحمتکشان این منطقه می باشند.

تداوم اعتراضات در خوزستان و شهرهای دیگر

اعتراضات مردم خوزستان به بی آبی در شهرهای مختلف این استان ادامه دارد. مردم در شهرهای مختلف استان از جمله شوش، سوسنگرد، ایذه، دزفول، مناطق کوت عبدالله و ویس و جند محله اهواز، ماهشهر، حمیدیه، چمران بر علیه حکومت تظاهرات کردند. مردم سایر شهرهای ایران نیز در حمایت از آنها به خیابانها آمدند و تجمعات اعتراضی برگزار کردند. در شهرهای تهران، کرج، یزدان شهر اصفهان، الیگودرز، شاهین شهر، رباط کریم، میبد، مشهد، کرمانشاه، سقز، بانه و... مردم در اعتراض به بی آبی در خوزستان و سرکوب مردم تجمع اعتراضی برگزار کردند.

الیگودرز

غروب روز پنجشنبه ۳۱ تیرماه ۱۴۰۰، در پی اعتراض مردم خوزستان به بی آبی در شهر الیگودرز مردم در پارک کنار هواشناسی اقدام به تجمع کردند. بر اساس گزارش های دریافتی از الیگودرز این تجمع به میدان شهدای این شهر گسترش یافت. اجتماع در الیگودرز با تیراندازی و سرکوب روبرو شد، فضای شهر امنیتی شد و بازداشت ها گسترش یافت. نیروهای ضد شورش در شهر متمرکز شدند و تعدادی از مجروحین به بیمارستان منتقل شدند.

اینترنت در بیشتر مناطق خوزستان عمدتا قطع است و در قرنطینه

خبری سرکوب در جریان است. شهرهای سوسنگرد، اهواز و ایذه، از جمله شهرهایی بودند که بسیار گسترده در این حرکت اعتراضی شرکت کردند. بر طبق خبرهایاصله از ایذه، از صبح روز ۳۱ تیر، در ایذه و سوسنگرد و مناطقی از اهواز، حکومت نظامی اعلام نشده حاکم است. در طی روز نیز دستگیری های زیادی صورت گرفته است. با وجود کشته و مجروح زیادی که در الیگودرز وجود دارد، درگیری جوانان با نیروهای سرکوبگر همچنان ادامه یافت. اکثر مردم الیگودرز به خیابان آمده و به کمک مجروحین شتافتند.

تبریز

عصر شنبه ۲ مرداد، تظاهرات مردم تبریز در حمایت از اعتراضات مردم خوزستان آغاز شد. جوانان شرکت کننده در تظاهرات تبریز مورد هجوم نیروی انتظامی قرار گرفتند. نیروهای سرکوب برای ایجاد جو رعب و وحشت اقدام به بلندکردن هلی کوپتر و همچنین با به پرواز درآوردن پهباد در بالای سر تظاهرکنندگان اقدام به فیلمبرداری کردند. در تظاهرات مردم تبریز شعار اتحاد مردم کشور را سر دادند. در تبریز نیز اینترنت بخشا قطع است و بازداشتها ادامه دارد.

اجتماع اعتراضی در تهران

صبح روز ۴ مرداد گروهی از جوانان و مردم تهران در حمایت از خیزش خوزستان و اعتراض به وضعیت موجود تظاهرات کردند. تظاهرات مردم تهران در خیابان جمهوری و جلوی پاساژ علاالدین شروع و به سمت چهار راه استامبول ادامه داشت. کثرت جمعیت باعث شده بود که نیروی انتظامی جرات نزدیک شدن به آنها را نداشته باشد. آنها در حمایت از قیام خوزستان و تظاهرات مردم تبریز شعار دادند: آذربایجان عرب فارس اتحاد اتحاد. شعارهای «مرگ بر خامنه ای» و «خامنه ای حیا کن مملکتو رها کن» را از شعارهای اصلی این تجمع بودند. اخباری از ادامه تظاهرات مردم تهران در فلکه اول صادقیه، تهران پارس، فاطمی به سمت ولی عصر نیز منتشر شده بود.

تجمع اعتراضی در اصفهان

سه شنبه شب ۵ مرداد، جوانان معترض در اصفهان در تجمع های شبانه به قطعی برق در این شهر اعتراض کردند. آنها در تجمع خود ابتدا بنر بزرگ خامنه ای که در کنار خیابان نصب شده را پاره کرده و آتش زدند و سپس شعار "خوزستان اصفهان اتحاد اتحاد" سر دادند. یادآوری می شود که شب دوشنبه ۴ مرداد نیز، معترضان در شهر بهارستان استان اصفهان در اعتراض به قطعی برق و همبستگی با خوزستان و سایر شهرها به خیابانها آمدند. مردم شعار می دادند: جمهوری اسلامی نمی خواهیم نمی خواهیم.

ستون اخبار کارگری و حرکتهای

اعتراضی ...

متناسب با آن افزایش نمی‌یابد. این امر ناملایمات بسیاری برای شاغلین و خانواده‌های آنان پدید آورده است. ما از خواسته‌های آنان که به شرح زیر اعلام شده به طور کامل حمایت و پشتیبانی می‌کنیم:

- افزایش دستمزد نباید کمتر از ۱۲ میلیون واحد پول ایران باشد.
- پرداخت حقوق و دستمزدهای معوقه.
- لغو کلیه قراردادهای پیمانکاران فرعی.
- انجام اقدامات صحیح ایمنی در محیط کار.
- تبدیل قراردادهای موقت کارگران به قراردادهای دائم.
- حق آزادی اجتماعات و حق برخورداری از تشکلهای مستقل.
- حذف برخورد به فعالین کارگری.
- ۲۰ روز کار و ۱۰ روز فراغت در هر ماه.

ما به عنوان اتحادیه‌های صنفی صنایع فلز، برق، چوب، پلاستیک و منسوجات در هانوفر آلمان به خوبی می‌دانیم که اعتصاب، یک وسیله‌ی پذیرفته شده برای دستیابی به خواسته‌های صنفی می‌باشد. برای مبارزات قانونی شما آرزوی قدرت، پشتکار و همبستگی داریم. برای کارگران مهم است که بتوانند حرف خود را بزنند و فریاد اعتراض خود را به خیابان‌ها بکشانند. این صحیح‌ترین روش برای ایجاد تغییر است.

از طرف کمیته‌ی اجرایی اتحادیه کارگران فلز هانوفر
دیرک شولتزه: دبیر اول
ساشا دودزیک: دبیر دوم

فدراسیون واحدهای کارگران نفت ونزوئلا نیز در حمایت از کارگران اعتصابی نفت در ایران بیانییه ای صادر کرد. خوزه بوداس، دبیر کل فدراسیون واحدهای کارگران نفت ونزوئلا در این پیام اشاره کرده است: "علاوه بر اعتراض کارگران، اعتراض بخشهای عمومی نیز وجود دارد. تورم و خدمات عمومی فاجعه بار آنها را وادار به اعتراض و مبارزه در کنار طبقه کارگر ایران کرده است".

وی در خاتمه پیام همبستگی خود خاطر نشان کرد: "من به عنوان دبیر کل فدراسیون واحدهای کارگران نفت ونزوئلا، به کارگران و مردمی که علیه دیکتاتوری سرمایه داری ایران می‌جنگند درود می‌فرستم و با آن‌ها اعلام همبستگی انقلابی می‌کنم".



قتل فریدون صالحی

روز دوشنبه ۴ مردادماه، در پی شلیک مستقیم نیروهای نظامی در مناطق مرزی "هنگژال" واقع در شهرستان بانه، یک کولبر کشته و چند تن دیگر زخمی شدند. کولبر جانباخته فریدون صالحی اهل شهرستان بوکان است. خانواده کولبران قربانی، نگران و خشمگین مقابل بیمارستان صلاح الدین بانه تجمع کردند.

اجتماع بازنشستگان فولاد

کارگران بازنشسته فولاد در یکشنبه های قبل نیز جهت پیگیری و دستیابی به مطالباتشان، تجمع اعتراضی داشته‌اند. اجرای کامل همسان سازی و درمان رایگان و مناسب از مطالبات همه بازنشستگان است. در همین روز در رشت شاهد تجمع بازنشستگان مقابل کانون بازنشستگان بودیم.

بازنشستگان تهران و کرج در حمایت از مردم خوزستان

روز سه‌شنبه پنجم مردادماه جمعی از بازنشستگان تهران و کرج در حمایت از اعتراضات مردمی خوزستان تجمع کرده و در همبستگی با آنها شعار سر دادند.

اجتماع پرستاران

صبح روز دوشنبه ۴ مرداد، پرستاران و پرسنل بیمارستان خمینی کرج، در بلوار بلال این شهر، تجمع اعتراضی برگزار کردند. این پرستاران و کارکنان بخش درمانی بیمارستان در برابر سازمان همیاری شهرداری‌های استان البرز دست به تجمع اعتراضی زدند. پرسنل بیمارستان خمینی کرج، علاوه بر تجمع در یکی از خیابانهای نزدیک به بیمارستان راهپیمایی نمودند.

تجمع مادران آبان در تهران

گروهی از مادران جانباختگان آبان نود و هشت امروز در میدان آزادی تهران با عکس عزیزانشان راهپیمایی و مردم را دعوت به ملحق شدن کردند. آنها با بلند کردن عکس جگرگوشه های جانباخته شان فریاد میزدند "این بچه های شماسست!! نیروی انتظامی وحشیانه به این عزیزان حمله کرد و بنا به اخبار میلاد محقق، ابراهیم کتابدار، پژمان قلی‌پور، فرهاد مجدم و وحید دامور از جمله بازداشت‌شدگان هستند.

- بیانییه های اعلام همبستگی با اعتصابی صنایع نفت

کمیته اجرایی اتحادیه کارگران فلز - واحد هانوفر آلمان با انتشار پیامی حمایتی اعلام کردند: ما اطلاع یافته ایم همکاران ما در ایران، از تاریخ ۱۹ ژوئن ۲۰۲۱ در ۶۱ واحد صنعتی در، دست به اعتصاب زده‌اند. نرخ تورم در آن کشور بسیار بالا است و حقوق همکاران ما



ناموسپرستی بازهم قربانی گرفت

کودکی که هرگز متولد نشد همراه مادرش به قتل رسید

پروین کابلی

در ایران تمامی این قاتلین زیر سایه قوانین ضد زن جمهوری اسلامی می توانند راست راست قوانین آبی را دور بزنند و مدتی را در زندان بسر ببرند. دوی این درد بیدرمان فقط و فقط مبارزه با سنت های عقب مانده ضد زن و حکومتی است که سازمان جامعه را براساس بی حقوقی و فرودستی زنان بنا نهاده است. هیچ مردی قاتل به دنیا نمی آید. اما حکومتی که انسانها را به قاتل عزیزترین عزیزانشان، به قاتل مادر فرزندان، یا خواهرانشان تبدیل می کند حتی نباید اجازه یک روز ماندن بر صندلی قدرت را داشته باشد و باید با تمام اعوان و انصار مرتجع و قوانین آپارتاید جنسی به گور سپرده شود.

اما این اوضاع بویژه در کردستان می تواند با فعالیت شخصیت ها و رهبران کارگری تغییر نماید. باید برای این اوضاع و خاتمه دادن قتل زنان چاره جویی کرد. کار آگاهگرانه و ایجاد شبکه های دفاع از زنانی که از دست عزیزانشان فرار می کنند و یا مورد اذیت و آزار قرار می گیرند باید بطور جدی در دستور کار فعالان اجتماعی قرار گیرد.

۲۸ جولای ۲۰۲۱



در این هفته بازهم دو شهر سنج و سردشت به قتلگاه سه زن و کودکی که هنوز بدنیا نیامد بود تبدیل گشت. بیان و سحر مرادی در محله ی حاجی آباد بدست همسر بیان کشته شدند. طبق اخبار منتشر شده در میدیای اجتماعی بیان مرادی چند ماهه حامله بوده است. مرد مجرم تاکنون دستگیر نشده و خانواده مرادی نگران هستند که این مرد بار دیگر برای انتقام از این خانواده اقدام به قتل دیگری بکند و قربانی بگیرد.

هما حاجی پور که همراه دو فرزند و همسرش که ساکن کشور فنلاند بودند، برای جدا شدن از همسرش به سردشت بازگشته بود که توسط همسرش با شلیک بیست گلوله به قتل رسیده است. همزمان یک زن دیگر که همراه هما حاجی پور بوده است زخمی و در بیمارستان بستری می باشد. متهم بعد از به قتل رساندن همسرش و زخمی نمودن فرد دیگر دست به خودکشی می زد که موفق نمی شود و اکنون در بیمارستان بستری است.

زنانی که در این فاجعه کشته شدند هر دو خواستار جدانشدن از همسرانشان بودند که بخاطر همین خواست نه تنها جان خود را از دست دادند بلکه چند نفر دیگر را هم با خود به خاک کشانند. اما هما حاجی پور که ساکن فنلاند بود برای جدا شدن از همسر خود میبایستی به کشور محل تولد خود بازگردد؟ بنظر می رسد که هما می توانست از این سرنوشت بری باشد و بخاطر زندگی در کشوری که زنان موفقیت های بسیاری بدست آورند سرنوشتش طور دیگری رقم بخورد. ادامه سنت های عقب مانده، تحرک گروه های اسلامی و فرهنگ و رفتار عقیمانده مردسالارانه که در اکثر گروه های مهاجر هنوز عمل می کند، اکنون به یکی از موانع جدی زنان بدل شده است. کشورهای اروپایی بنا به سیاست های راست و مرتجعانه چند فرهنگی، نه تنها دست گروه های اسلامی و ناسیونالیستی برای ادامه ستم بر زن را بازگذاشته اند و راه را برای بازتولید فرودستی هموار نموده اند، اکنون همین سیاست بسیاری از زنان با تبار خارجی را که خواهان طلاق هستند مجبور به طلاق رسمی و قانونی به کشور محل تولد خود مراجعه میدهد. هما حاجی پور تنها قربانی مردسالاری و خشونت همسرش نشد بلکه قربانی سیاستهای راست دولت فنلاند هم شد.

این دو قتل در کمتر از یک هفته در دو نقطه مختلف فقط نمونه ای از صدها قتل دیگر است که روزانه در ایران اتفاق می افتد. قاتلین عاشقان کشته و مرده زنانی هستند که معتقدند "زنی که با لباس سفید عروسی به خانه شان آمده است باید با کفن بیرون رود"، حتی اگر این کفن خونین باشد و حتی اگر در شکم این زن کودکی باشد. کودکی که هرگز حق حیات نیافت.



به مقام کشیشی در سینود مرکزی اش، ۳۲ زن را در کلیسای اعظم بریستول به این کسوت در آورد. این را البته افکار عمومی در انگلستان، و قبل از همه خود زنان مربوطه، گام مهمی در احقاق حقوق زنان میدانند. یکیشان با شوق میگوید "تنها وقتی در خدمت کلیسا برابر باشیم میتوان گفت که در پیشگاه خداوند برابریم". آنچه

مسلم است اینست که در ظرف چند ماه آینده حدود هزار و دویست کشیش زن هم در انگلستان خواهیم داشت که کنار همقطاران مذکرشان بر منابر، آموزش کهنه و مردسالارانه مذهب درباره زن و جایگاه ویژه او در پیشگاه خداوند را، که ترجمه الهی جایگاه ویژه او زیر لگد جامعه مردسالار است، به خورد مردم بدهند.

با همه ربطی که این موضوع به بحث ما دارد، باید بهرحال اینجا از آن بگذریم، چون منظور معرفی جناب کندی است.

ایشان نظیر بسیاری از کشیشان نر در کلیسای انگلستان، که بعضا حتی از سر انزجار به آغوش کلیسای رم برگشتند، از این تحول خشمگین است. میگوید:

"کشیشان زن باید بر دار سوزانده شوند، زیرا به قدرتی دست میبرند که هیچ حقی بر آن ندارند. در قرون وسطی نام این سحر و جادو بود. تنها راه مقابله با ساحره ها اینست که بر دار سوزانده شوند"

"انجیل در این مورد کاملا روشن است. مردان و زنان از نظر بیولوژیکی تفاوت دارند. ما هرگز نمیتوانیم مانند هم باشیم. نمیتوانم تصور کنم که یک زن چگونه میتواند تجسم مسیح باشد، جراحی علاج کار نیست".

فردریک وست، یا جانی خانه مرگ که هست، دوزخی است، پلیس میبرد و پنهانش میکند. تا سالها نامش و اعمالش پشت مردم را در خلوتشان میلرزاند. اما آنتونی کندی بهشتی است، میتواند بی هیچ جرح و تعدیلی مسیح را نمایندگی کند، کودکان کودکستانی ما در خیابان به او لبخند میزنند و سلام میکنند، کسی در خانه او دنبال جسدی و در مغزش در جستجوی معمای مخوفی نیست. اما این همان آدم و همان واقعه است.

خشم و نفرین آنتونی کندی کلید حل معمای جنایات گلاستر را بدست میدهد. هر دو مورد باید بعنوان نمونه های جنایتکارانه خشونت علیه زنان و تبلیغ و تظهير خشونت علیه زنان فهمیده شوند. این خشونت از مغز معلول وست و از دین معیوب کندی سرچشمه نمیگیرد. هر دو آنقدر عقل داشته اند که قربانیان خود را در میان اقشار بیحقوق تر جامعه جستجو کنند. منشاء این خشونت، دنیایی است که زن را در هزار و یک راه و رسم و قانون و سنت زمخت و ظریف، قابل ستم و کم ارزش تعریف کرده است و آگاهانه و عامدانه، و در اغلب موارد به خشونت آمیزترین شیوه ها، راه رهایی زن و خروج او از موقعیت قربانی را سد میکند.

زن، در زندگی و مرگ: از فردریک وست تا آنتونی کندی

منصور حکمت

رویداد هولناکی در اوایل مارس انگلستان را بهت زده کرد. در شهر سربریزر و تاریخی گلاستر، که به کافه های دنج و کلیسای بزرگ قرن یازدهمی اش شهرت دارد، خانه ای کشف شد که مدفن اجساد قربانیان قتل های مرموزی در طول بیست و پنج سال گذشته بوده است. تا نیمه مارس ۹ جسد از کف زیر زمین و حیاط خلوت و حمام خانه شماره ۲۵ کرامول استریت، که "خانه مرگ" و "تالار وحشت" لقب گرفته است، کشف شده بود. به تخمین پلیس، بر مبنای قرائنی نظیر گمشدگان سالهای اخیر در منطقه، این عدد میتواند به ۳۰ برسد.

با هر جسد یکبار دیگر نفس در سینه آنها که در این سالها گمشده ای داشته اند حبس میشود. با هر جسد، ازدحام خبرنگاران و توریستها و مردم کنجکاوای که در محل با دوربین و وسائل پیک نیک اطراق کرده اند، انبوه تر میشود. همسایه ها پنجره کرایه میدهند. هرکس به فراخور شغل و تخصصش چیزی میگوید. شهردار گلاستر "مرگ یک شهر" را افسوس میخورد. خبرنگار "علمی" مفتون تکنولوژی راداری مین یاب ارتش در جنگ فالكند است که اینک ابزار اصلی پلیس در حفاری ها و کشفیاتش است. در حالیکه متخصصین علائم شناسی پلیس در تلاش کشف هویت قربانیان از روی ژن آنها و بازسازی چهره آنان هستند، روانشناسان در تقلاي درک مخيله و ذهن قاتلند. کدام جانور، کدام موجود بیمار و در هم پیچیده ای میتواند مرتکب چنین جنایاتی شود؟ اینکه عامل این جنایات باید "مریض" بوده باشد تقریبا یک فرض عمومی است. آخر، بقول پزشک قانونی در محاکمه پرونده مشابهی در آمریکا، کسی که قادر به ارتکاب این "قتل های غیر عادی" است چطور میتواند آدم سالمی باشد.

فردریک وست، بنای ۵۲ ساله مالک و ساکن خانه مرگ به اتهام ارتکاب این جنایات دستگیر شد. روانکاوان متعدد بیشک به دهلزهای ضمیر او خیره خواهند شد و از حدسیات خود کتابها خواهند نوشت. اما یک نکته، که بعنوان یک جمله ساده در گزارشات پلیس و خبرنگاران ذکر میشود و میگذرد، به واقعیاتی فراتر از قاتل و دنیای درونی او اشاره میکند: تمام قربانیان این جنایت زن بوده اند.

... و این ما را به آنتونی کندی میرساند.

در صفحه ۴ روزنامه تایمز لندن، روز ۹ مارس، و از قضا درست پشت گزارشی در مورد خراشهای ماجرای کرامول استریت بر سیمای دوست داشتنی شهر گلاستر، مطلبی در مورد تحولات مهم اخیر در کلیسای انگلستان و نمونه ای از اصطکاکهای درونی آن چاپ شده است. قهرمان ماجرا حضرت اقدس آنتونی کندی سر کشیش لاتون و توابع است. کلیسای انگلستان (که حدود ۵۰۰ سال قبل از کلیسای رم جدا شد) بالاخره در روز ۱۲ مارس، دو دهه پس از تصویب اصل پذیرش زنان

زن، در زندگی و مرگ:

از فردریک وست تا آنتونی کندی ...

این قرون وسطی نیست. این عصر سرمایه داری است. هرچه با بازار و سود تناقض داشته باشد، دیر یا زود کنار زده میشود. بسیاری از جان سخت ترین افکار و تعصبات و راه و رسمهای کهنه در برابر نیازهای پیش پا افتاده و روزمره تجارت و تولید ور افتاده اند. و لاجرم، اگر زن آزاری و زن ستیزی و تبعیض و خشونت علیه زن هنوز یک واقعیت پابرجای زندگی مردم این عصر است، اگر علیرغم جنبشهای قوی و اجتماعی برای رهایی زن، هنوز ستم جنسی در چهار گوشه جهان حکم میراند، باید حکمتش را همینجا، در همین عصر و در مصالح همین نظام جستجو کرد.

جنایت از سر "جنون"، همیشه ممکن است وجود داشته باشد. اما آن نوع جنونی که قربانیانش، از خیابان و خانه تا مدرسه و کارخانه، عمدتاً زنان هستند، دیگر جنون نیست، بلکه بیان جنون آمیز گوشه ای از عقل حاکم بر جامعه است.

اولین بار در فروردین ۱۳۷۳، آوریل ۱۹۹۴، در شماره ۱۳ انترناسیونال منتشر شد.

مجموعه آثار منصور حکمت جلد هشتم صفحات ۱۷۹ تا ۱۸۲



جهان بدون

فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم،

بدون «خطر» سوسیالیسم،

به چه منجلابی تبدیل میشود!

منصور حکمت

درهمبستگی با مبارزات مردم

خوزستان و سایر شهرهای ایران

به میدان بیاییم

شنبه ۳۱ ژوئیه

آدرس میدان ترافالگار مرکز لندن
Trafalgar Square

ساعت ۱۳ تا ۱۵

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

یادداشتها

سیاوش دانشور

حزب الله در پوشش حقوق بشر

#الهه_هیكس

حقوق بشر هر سابقه ای از دوره جنگ سرد داشته یا دارد، دستکم در دوده اخیر سیاست ایران و برای بستر اصلی مدافعان آن، اسم رمز تعلق سیاسی به راه حل‌های از بالا و آلترناتیوسازی ارتجاعی بوده است. یک حقوق بشری طبق تعریف خواهان بازسازی نظم کنونی و راه حل سرمایه دارانه است. تردیدی نیست که رگه‌ها و جناح‌های مختلفی در همین اردو وجود دارد؛ از سلطنت طلب و جمهوریخواه و اصلاح طلب تا مغضوبین حکومتی و تازه کارشناسان رسانه‌ها، خود را "مدافع حقوق بشر" معرفی و شناسانده اند.

الهه هیكس اما نوع حزب اللهی آنست که با تکرار استدلال‌های نهاد‌های اطلاعاتی و سران حکومت علیه "ضد انقلاب"، درست در لحظه‌ای که جنگی خونین و نابرابر بین مردم و حکومت در جریان است، کنار دستگاه سرکوب قرار می‌گیرد و علیه مخالفین سیاسی و مردم بی‌خاسته با ادبیات حزب الله ظاهر می‌شود.

بحث فقط برسر رعایت نزاکت سیاسی *political correctness* نیست، این شاید ظاهر مسئله است، بحث برسر افلاس خط توجیه سرکوب حکومتی است که خود را در میان مدافعانش مانند خانم الهه هیكس اینگونه بیان میکند. خارج از کنترل شدن و عصبانیت و نفرت پراکنی وی انعکاسی از وضع حکومت در هیئت حقوق بشری‌های حزب اللهی است.

الهه هیكس تنها یک نمونه و مثتی از خرواری است که سالها در این رسانه‌ها بعنوان مفسر و تحلیل‌گر ما را از "سوریه‌ای شدن" و "خشونت نکنید" می‌ترسانند و همزمان رژیم‌شان مشغول سوریه‌ای کردن جامعه به خشن‌ترین اشکال ممکن است.

شاید انتظار زیادی داشتن از امثال الهه هیكس توهم باشد، شاید انتظار ظاهر شدن بعنوان یک آدم سیاسی و موقر و مستدل انتظار زیادی از مدافعان نظم قتل و جنایت باشد. ما هم انتظاری نداشتیم و نداریم. مسئله اما بسیار بزرگ‌تر از الهه هیكس‌ها است. این خصوصیت دوران تحول است که سیاستها و خطوط خاکستری را به اوضاع نامربوط می‌کند. حقوق بشر در مهد آن تا چه رسد به مدافعان کاریزیست آن، هیچ جواب‌آنی و آتی برای مشکلات جاری مردم و جامعه ندارد. حال و روز کنونی این حقوق بشری‌ها انعکاسی از حال و روز شکست اصلاح طلبی حکومتی و به آخر خط رسیدن کل پروژه حکومت اسلامی است.

#ارزش_مصرف #اصلاح_طلبان

محمود صادقی اصلاح طلب در توثیتی بالاخره یک حرف قدیمی و مبرهن را بناچار اعتراف کرد. این برای ما کهنه‌تر از کهنه است اما بیانش توسط خودشان اعتراف به ورشکستگی محض است:

محمود صادقی:

"کارکرد دولت‌های اصلاح‌طلب و اعتدالی این است که نظام را از بحران خارج کنند، پس از آن نظام آن‌ها را مثل دستمال مصرف‌شده دور بیندازد و عبرت تاریخ کند".

صادقی البته خود را به فراموشی زد که بگوید، اصلاح طلبان حکومتی، این دستمال‌های مصرف‌شده، همراه با برادران خشکه مقدس ترشان، برای نجات نظام، باهم زدند و کشتند و سرکوب کردند.

برگزاری کنفرانس تشکیلات آلمان حزب

روز ۲۵ جولای ۲۰۲۱ کنفرانس تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست با حضور اکثریت اعضا برگزار گردید و با موفقیت به کار خود پایان داد.

در ابتدا رفیق نادر شریفی دبیر تشکیلات خارج کشور حزب در خصوص اقدامات انجام شده در دوره قبل و همچنین توضیحاتی در ارتباط با نکات اصلی پلاتفرم جدید تشکیلات خارج کشور به جلسه ارائه داد. در ادامه کنفرانس و حاضرین با توجه به شرایط حساس کنونی ایران نظرات خود را طرح و پیشنهادات و روشهایی را برای پیشبرد بهتر فعالیتها طرح کردند.

دستور آخر کنفرانس انتخابات کمیته آلمان حزب بود. با رای کنفرانس، هفت نفر از رفقای کاندیدا برای عضویت در کمیته آلمان حزب انتخاب شدند. رفقا نادر شریفی، آرش نصراللهی، آرش کلهری، سپیده امیرعسگری، هیوا کاکه ره‌ش، ژیلان نگهدار و هژیر نادری به عنوان اعضای کمیته آلمان انتخاب شدند.

در اولین نشست کمیته منتخب که بعد از کنفرانس برگزار شد، بعد از مروری بر شرح وظایف و سیاستهای مصوب حزبی که باید توسط کمیته سازماندهی شود، برای تعیین دبیر کمیته انتخابات صورت گرفت و رفیق آرش نصراللهی به عنوان دبیر کمیته آلمان انتخاب شد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری- حکمتیست
(واحد آلمان)

۲۷ جولای ۲۰۲۱



زیر حجاب اختناق

منصور حکمت

استبداد و خفقان، جبراً نمایی وارونه و مخدوش از حقایق سیاسی جامعه ترسیم میکند. همیشه سقوط رژیمهای دیکتاتوری عاقبتی جز آنکه ناظران سیاسی بر مبنای مشاهدات پیشین انتظار کشیده اند بیار آورده است. کاملاً قابل فهم است که چگونه در یک فضای مختنق ماهیت و توان و برنامه نیروها و احزاب سیاسی، توازن قوای میان نیروهای اجتماعی، جهت و شتاب روند های سیاسی و از همه مهم تر تمایلات سیاسی و اجتماعی واقعی خود مردم و طبقات مختلف اجتماعی بدرستی بروز پیدا نمیکند و منعکس نمیشود. ایران تحت سلطه رژیم اسلامی نمونه زنده یک محیط سیاسی خفه با سیمای سیاسی مخدوش و روندهای تاریخساز پنهان و پوشیده است. با حساب نموده‌ها، شخصیت‌های سیاسی حال و آینده ایران را باید در میان خاتمی ها و یزدی ها و سروشها جستجو کرد، ظاهراً کارگر و کمونیست نیرویی در مرکز صحنه سیاسی نیست، ظاهراً سرنوشت آینده ایران را لبخند خاتمی و مزاج خامنه ای قرار است رقم بزند، ظاهراً میباحثات آینده ساز در ایران همان تشخوار چند باره مقولات انقلاب مشروطیت و روایات آخوندیزه شده از خواست "عدالتخانه" است که زیر تیتر "جامعه مدنی" صفحات نشریات ظاهراً "دینفود" محافل ظاهراً "دگراندیش" پیرامون خود رژیم را انباشته است. خبرنگاران و خبرترانشان، شرق شناسان، متخصصین دول غربی، احزاب ملی و میهنی، گروهها و دستجات جهان سومی و شرقرده ای که برای دوره ای بدلاتی خارج از اراده خویش دچار عارضه خود کمونیست پنداری شده بودند، همه با اشتیاق به این صحنه آشفتنه و این تصویر معوج خیره شده اند و باور و نظر و الهامشان را از آن میگیرند. اگر اینها را باور کنیم، ایران در آستانه یک رستگاری اسلامی دیگر است. آخوندهای اهلی، با اسلامی معطر به گلاب مدرنیته، با دگراندیشانی به اندازه کافی مسلمان و مسلمانانی به اندازه کافی دگر اندیش، با قانونی ملهم از فقه و فقیه‌ی تابع قانون، قرار است ایران را در روندی تدریجی و بدور از آشوب و انقلاب وارد جمهوری اسلامی دوم کنند. و این آن "جامعه مدنی" است که به زعم حجره دار نمازخوان بازار و پسران خارج درس خوانده اش، مردم ایران یک قرن است آرزو و استحقاقش را دارند. ایران از قرار در این مسیر افتاده است.

اما در پس این معرکه، تاریخ واقعی در جهت دیگری سیر میکند. باید فراتر را نگاه کرد. گوش را باید به زمین چسباند و لرزش بنیادهای این نظم ارتجاعی را حس کرد. جدال جاری در جامعه ایران مقابله اسلام قساوت و اسلام تساهل نیست، جدال ولایت فقیه و قانون نیست، بلکه جدال آزادیخواهی با استبداد و ارتجاع و اسلام در همه اشکال آن است. در سیر تحولی که در پیش است شخصیت‌های جلوی صحنه امروز به سرعت بی ربط و محو خواهند شد. در مقابل ارتجاع اسلامی نه خرده اصلاح طلبان امروز، بلکه صف کمونیسم و آزادیخواهی و مساوات طلبی کارگری، صف سکولاریسم پیگیر و ضد مذهب، صف مدرنیسم و صف رهایی بی چون و چرای زن را خواهیم یافت. اینها تمایلات واقعی اکثریت عظیم مردم ایران است که امروز زیر حجاب اختناق پنهان است و می‌رود که آینده سیاسی ایران را بسازد.

نشریه ایسکرا شماره ۳ - ۱۴ فروردین ۱۳۷۷ ۴ آوریل ۱۹۹۸



در حاشیه دادگاهی حمید نوری قاتل

سعید یگانه



خواهد داشت، به مسائل زیادی از جمله و مهمتر از همه به تحولات سیاسی و کشمکش بین مردم و جمهوری اسلامی در ایران گره خورده است. اما بازداشت و محاکمه حمید نوری به جرم دست داشتن در کشتار زندانیان سیاسی تا همینجا، دستاوردی برای جنبش آزادیخواهی است. نفس ورق خوردن پرونده جنایتهای رژیم در دهه شصت مقدمه تشکیل دادگاه های منتخب مردم ایران علیه سران جمهوری اسلامی است.

در اوضاع سیاسی متحول ایران و در شرایطی که مردم به مقابله جدی با جمهوری اسلامی روی آورده اند، هنگامی که یکی دیگر از متهمان اصلی این پرونده سیاه "ابراهیم رئیسی" رئیس جمهور دولت جنایتکار اسلامی شده است و علاوه بر این محاکمه این جانی، همزمان است با سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در شهریور سال ۶۷، محاکمه حمید نوری و باز کردن این پرونده در فضای سیاسی کنونی ایران برای افشای چهره جنایتکارانه دولت اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار است. ابراهیم رئیسی پس از انتخابات در مقام رئیس جمهور در یک کنفرانس خبری در پاسخ به خبرنگار شبکه الجزیره در مورد نقش او در اعدامهای تابستان ۶۷، از این جنایت دفاع کرد و گفت که "به عنوان یک حقوقدان و دادستان" همواره مدافع حقوق مردم بوده و بیشرمانه گفت که باید مورد "تقدیر و تشویق نیز قرار بگیرد". بزودی حمید نوری به جرم جنایت علیه بشریت در دادگاه سوئد محاکمه خواهد شد و باید منتظر بود که در فرآیند به ثمر رسیدن مبارزات مردم، همه سران رژیم به جرم ۴۲ سال جنایت و اعمال ضد انسانی توسط مردم بپاخته شده در دادگاههای مردمی محاکمه و مجازات شوند. نه می بخشیم و نه فراموش می کنیم!

۲۹ جولای ۲۰۲۱

جنبش مجمع عمومی کارگری را گسترش دهیم!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیست

قتل عام زندانیان سیاسی، به عنوان یکی از دوره های سیاه حاکمیت نکبت اسلامی در سال ۶۷، در سالهای گذشته بارها از طرف زندانیان سیاسی، خانواده زندانیان و وکلا به مراجع بین المللی گزارش و پیگیری شده است، اما این اولین بار است که یکی از متهمان این جنایت هولناک و ضد بشری در یکی از دادگاههای اروپایی به جرم مشارکت در کشتار زندانیان سیاسی مورد محاکمه قرار میگیرد. سرنوشت پرونده حمید نوری مشخص نیست و اینکه این پرونده در کش و قوسهای اداری، رابطه دولتها و بده و بستان میان آنان چه سرنوشتی

COVID-19
Vaccine
رایگان
استانداردهای
بهداشت جهانی
برای همه

واکسیناسیون رایگان
با استانداردهای بهداشت جهانی،
حق فوری کلیه ساکنین ایران است!

شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست

زنده باد سوسیالیسم!